



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: حقیقت شرعیه

موضوع جزئی: مقام دوم: ثمره نزاع در باب حقیقت شرعیه

سال: پنجم

تاریخ: ۱۷ آذر ۱۳۹۲

مصادف با: ۵ صفر ۱۴۳۵

جلسه: ۴۱

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در ثمره بحث حقیقت شرعیه بود، اینکه ما بحث کنیم آیا استعمال شارع بعضی از الفاظ را در معانی خاص در محیط شرع، استعمال حقیقی است یا مجازی چه ثمره عملیه‌ای دارد؟ عملاً چه استعمال حقیقی باشد و چه مجازی فرقی ندارد. عرض کردیم این مسئله محل بحث و اختلاف واقع شده که آیا ثمره عملیه‌ای بر این بحث مترتب است یا خیر؟ به طور کلی دو نظر در اینجا وجود دارد: یکی اینکه ثمره عملیه بر این بحث مترتب است که خود این نظریه دو قول دارد و دیگری اینکه ثمره عملیه‌ای بر این بحث مترتب نمی‌شود. پس مجموعاً سه قول می‌شود.

قول اول: نظریه مرحوم آخوند

اما بین خود کسانی که ثمره عملیه را قبول دارند اختلاف است و به دو گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول مثل مرحوم آخوند معتقدند این نزاع ثمره عملیه دارد؛ به این بیان که اگر ما قائل به ثبوت حقیقت شرعیه باشیم و بدانیم استعمال شارع از وضع متأخر بوده در این صورت الفاظی که در کتاب و سنت وارد شده‌اند را بر معنای شرعی حمل می‌کنیم ولی اگر تأخر استعمال برای ما ثابت نشود و ما احراز نکنیم که استعمال بعد از وضع و متأخر از آن بوده یعنی شک داشته باشیم که مثلاً استعمال لفظ «صل» از طرف شارع بعد از وضع بوده یا نه در این صورت بعضی معتقدند لفظ بر معنای شرعی خود حمل می‌شود به خاطر اصل تأخر استعمال از وضع و بعض دیگر معتقدند لفظ بر معنای لغوی خود حمل می‌شود به خاطر اصل عدم نقل.

پس عده‌ای می‌گویند اگر شک داشته باشیم استعمال بعد از وضع بوده یا نه به اصل تأخر استعمال تمسک کرده و لفظ را بر معنای شرعی خود حمل می‌کنیم؛ چون شک داریم لفظ در معنای لغوی خود استعمال شده یا نه و در موارد شک باید به اصل رجوع کنیم و اصلی که در اینجا مورد استناد قرار می‌گیرد اصالة تأخر الاستعمال عن الوضع است چون فرض ما این است که قائل به ثبوت حقیقت شرعیه هستیم و یقین داریم وضعی از طرف شارع صورت گرفته و می‌بینیم استعمالی هم واقع شده؛ مثلاً شارع گفته: «صل عند رؤیة الهلال» ولی ما نمی‌دانیم این استعمال قبل از وضع بوده یا بعد از آن، پس در تأخر استعمال از وضع شک داریم و اصالة تأخر الاستعمال عن الوضع ثابت می‌کند این استعمال بعد از وضع واقع شده پس نتیجه این است که طبق این فرض لفظ «صل» باید بر معنای شرعی خودش یعنی عبادت خاص که نماز باشد حمل شود.

عده‌ای هم می‌گویند در این صورت که شک داریم استعمال بعد از وضع بوده یا نه به اصل عدم نقل تمسک کرده و لفظ را بر معنای لغوی خودش حمل می‌کنیم؛ چون ما در واقع شک داریم آیا لفظ از معنای لغوی خودش به معنای شرعی نقل داده شده یا نه لذا اصالة عدم النقل اقتضاء می‌کند چنین نقلی صورت نگرفته است.^۱

خلاصه نظریه مرحوم آخوند: به طور کلی ثمره عملیه این شد که اگر قائل به ثبوت حقیقت شرعیه بوده و استعمال را از وضع متأخر بدانیم الفاظ وارد شده در کتاب و سنت را بر معنای شرعی خودش حمل می‌کنیم اما اگر حقیقت شرعیه را بپذیریم ولی در تأخر استعمال شک داشته باشیم بعضی با تمسک به اصالة تأخر الاستعمال عن الوضع لفظ را بر معنای شرعی خودش حمل کرده و بعضی دیگر با تمسک به اصالة عدم النقل لفظ را بر معنای لغوی حمل می‌کنند. اگر هم اصلاً حقیقت شرعیه را نپذیریم لفظ بر معنای لغوی خودش حمل خواهد شد و این یک ثمره عملیه است که بر بحث از حقیقت شرعیه مترتب می‌شود لذا این بحث دارای ثمره است، این نکته را توجه داشته باشید که منظور از ثمره عملیه عمل مکلف نیست بلکه منظور این است که این بحث خارجاً صرف یک بحث علمی نیست بلکه اثر بر آن مترتب می‌شود.

بررسی نظریه مرحوم آخوند:

بررسی اصالة تأخر الاستعمال عن الوضع:

به نظر می‌رسد فرمایش ایشان محل اشکال است؛ چون ایشان می‌گویند اگر ما قائل به ثبوت حقیقت شرعیه باشیم و بدانیم استعمال متأخر از وضع است قهراً الفاظ بر معنای شرعی خود حمل خواهند شد ولی اگر تاریخ استعمال برای ما مجهول باشد و ما ندانیم استعمال بعد از وضع بوده یا نه نمی‌شود به اصالة تأخر استعمال عن الوضع تمسک کرد؛ چون منظور از اصالة تأخر استعمال عن الوضع در واقع همان استصحاب تأخر حادث است که اگر دو حادث داشته باشیم و زمان حدوث یکی از آن دو معلوم باشد اما زمان حدوث دیگر معلوم نباشد و ما ندانیم آیا این حادث زماناً مقدم بر دیگری است یا مؤخر از آن در این صورت به استصحاب تأخر حادث تمسک کرده و می‌گوییم این حادث متأخراً محقق شده است، حال باید ببینیم آیا در ما نحن فیه می‌توان به این اصل تمسک کرده و تأخر استعمال از وضع را استصحاب کرد یا نه؟ در اینکه مستصحب چیست دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول:

مستصحب نفس عنوان تأخر است، یعنی خود تأخر استعمال از وضع استصحاب می‌شود.

مشکل این احتمال این است که تأخر استعمال قابل استصحاب نیست چون حالت سابقه ندارد در حالی که مهمترین رکن استصحاب حالت سابقه یقینیه است، پس یک حالت سابقه یقینیه‌ای باید وجود داشته باشد تا آن را استصحاب کنیم در حالی که تأخر استعمال از وضع حالت سابقه یقینیه ندارد؛ چون فرض این است که شارع در گذشته یک لفظی را برای معنایی وضع کرده و یک استعمالی هم کرده و ما نمی‌دانیم این استعمال مقدم بر وضع بوده یا مؤخر از آن بوده و شما می‌خواهید تأخر

۱. کفایة الاصول، ج ۱، ص ۳۹.

استعمال از وضع را استصحاب کنید در حالی که تأخر استعمال از وضع حالت سابقه یقینیه ندارد تا آن را استصحاب کنید؛ چون فرض این است که ما نمی‌دانیم استعمال از وضع متأخر بوده یا نه لذا حالت سابقه‌ای برای استعمال وجود ندارد؛ مثلاً می‌دانیم لفظ «صلاة» برای دعا وضع شده اما نمی‌دانیم صدور «صلّ عند رؤیة الهلال قبل از وضع بوده یا بعد از وضع» لذا اگر در تأخر استعمال شک داشته باشیم نمی‌توانیم به استصحاب تأخر استعمال از وضع تمسک کنیم؛ چون حالت سابقه یقینیه ندارد.

احتمال دوم:

مستصحاب عدم استعمال اللفظ فی هذا المعنی است؛ یعنی اگر شک داریم مثلاً لفظ «صلّ» در معنای دعا استعمال شده یا نه به استصحاب عدم استعمال لفظ در معنای خودش که دعا باشد تمسک می‌کنیم؛ به عبارت دیگر ما در یک زمانی یقین داریم لفظ «صلاة» در معنای شرعی خودش که عبادت خاص است استعمال شده اما شک داریم زمانی که گفته شده «صلّ عند رؤیة الهلال» آیا لفظ «صلّ» در معنای شرعی استعمال شده یا نه که اگر قبل از وضع شارع استعمال شده باید بر معنای لغوی خودش حمل شود ولی اگر بعد از وضع شارع بوده باید بر معنای شرعی خودش حمل شود ولی ما نمی‌دانیم این صدور و استعمال قبل از وضع شارع بوده یا بعد از آن لذا عدم صدور این لفظ را استصحاب می‌کنیم و می‌گوییم این لفظ قبلاً صادر نشده و لازمه عدم صدور آن تأخر استعمال از وضع است، می‌گوییم یک زمانی وجود داشته که شارع نگفته بوده «صلّ عند رؤیة الهلال» و ما شک داریم قبل از وضع چنین استعمالی کرده یا بعد از آن بلکه ما از یک زمان خاصی به بعد یقین داریم که لفظ «صلاة» در معنای شرعی خودش استعمال شده ولی نمی‌دانیم آیا این «صلّ عند رؤیة الهلال» آن زمان صادر شده بوده یا نه لذا اصل عدم صدور هذا اللفظ را جاری می‌کنیم و لازمه قهری این اصل تأخر استعمال از وضع است.

این احتمال هم مبتلا به اشکال است:

اولاً: این احتمال مشکل احتمال اول را که نداشتن حالت سابقه یقینیه بود ندارد، در احتمال اول مستحصب عنوان تأخر استعمال بود که گفتیم مشکل این احتمال این است که حالت سابقه یقینیه ندارد ولی در احتمال دوم، مستحصب عدم استعمال هذا اللفظ است، این احتمال مشکله احتمال اول را ندارد، چون عدم استعمال هذا اللفظ حالت سابقه یقینیه دارد و زمانی وجود داشته که این لفظ صادر نشده بوده و هر وقت در صدور آن شک کردیم عدم صدور هذا اللفظ را استصحاب می‌کنیم ولی مشکل این احتمال این است که اثر شرعی بر چنین استصحابی مترتب نمی‌شود، استصحاب زمانی حجت است که یا خود مستحصب مستقیماً دارای اثر شرعی باشد یا خود مستحصب موضوع یک حکم شرعی باشد، پس اگر در یک استصحابی مستحصب نه موضوع حکم شرعی باشد و نه دارای اثر شرعی باشد این استصحاب حجت نیست و اصطلاحاً به آن اصل مثبت می‌گویند و در ما نحن فیه این چنین است یعنی عدم صدور هذا اللفظ که مستحصب ماست خودش اثر شرعی ندارد گرچه ملازم با تأخر است و لازمه چنین استصحابی تأخر استعمال از وضع است؛ چون خود ملازم بودن با تأخر و اینکه

خود عدم صدور هذا اللفظ دارای اثر شرعی نیست بلکه عنوان تأخر است که می‌تواند موضوع قرار گیرد دال بر این است که این استصحاب حجت نیست.

پس اشکال اول این است که استصحاب عدم صدور هذا اللفظ دارای اثر شرعی نیست و خودش یک امر عدمی است که ملازم با عنوان تأخر است لذا نه خودش موضوع یک حکم شرعی است و نه لازمش که عنوان تأخر باشد دارای اثر شرعی است. اثر شرعی یعنی اینکه یک عنوانی در موضوع حکم شرعی ذکر شود در حالی که ما در هیچ دلیل شرعی مشاهده نمی‌کنیم که عنوان تأخر موضوع واقع شده باشد و اصلاً تأخر استعمال، حکم عقل است نه شرع و عقل است که می‌گوید اگر شارع یک وضعی و یک استعمالی داشته باشد قهراً استعمال باید متأخر از وضع باشد.

فانیا: استصحاب عدم صدور هذا اللفظ در جایی قابل قبول است که ما تاریخ وضع را بدانیم و در تاریخ استعمال شک داشته باشیم، یعنی بدانیم وضع در چه تاریخی واقع شده لکن ندانیم آیا لفظ قبل از وضع استعمال شده یا بعد از آن ولی در جایی که هم تاریخ وضع برای ما مجهول باشد و هم تاریخ استعمال نمی‌توان به اصالة عدم صدور هذا اللفظ تمسک کرد. بنابراین آنچه را که مرحوم آخوند فرمودند که بنا بر قبول حقیقت شرعی لفظ بر معنای شرعی خودش حمل می‌شود و بنا بر عدم پذیرش حقیقت شرعی لفظ بر معنای لغوی خود حمل می‌شود و این را ثمره بحث از حقیقت شرعی دانستند محل اشکال است که به آنها اشاره کردیم.

بحث جلسه آینده: پاسخ از اصالة عدم النقل را در جلسه آینده اشاره خواهیم کرد، نظر دیگری هم در این اینجا وجود دارد که با اینکه مثل مرحوم آخوند قائل به ترتب ثمره عملیه بر بحث حقیقت شرعی می‌باشد ولی تفاوتی با کلام ایشان دارد که انشاء الله در جلسه آینده به ذکر و بررسی آن خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»